

مصاحبه روزنامه "کردستان"

با رفیق مبارز عبدالله حسن زاده دبیرکل حزب

خبرنگار "کردستان": رفیق ارجمند، استاد عبدالله حسن زاده، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران! با عرض خیرمقدم به مناسبت برگشتن از سفر اخیرتان به خارج از کشور، از اینکه لطف کردید و برای مصاحبه‌ای با روزنامه "کردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب، زحمت را بر خود هموار نمودید، بسیار سپاسگزاریم و بار دیگر به شما خوشامد می‌گوئیم.

استاد حسن زاده: بنده هم از شما تشکر می‌کنم که یک چنین فرصتی را برایم فراهم نموده‌اید تا از طریق روزنامه "کردستان" پاره‌ای از دیدگاه‌های خودم را با شما در میان بگذارم. فرصت را غنیمت شمرده، مراتب احترامات خود را به کلیه رفقای حزبی و همه خوانندگان روزنامه "کردستان" تقدیم می‌دارم.

خبرنگار: نخستین سئوالی که از جنابعالی داریم اینست که هدف اساسی شما از سفر اخیرتان به خارج از کشور چه بوده‌است؟

حسن زاده: هدف اصلی بنده از سفر به خارج، تقریباً همانند دفعات گذشته یک رشته مسایل بوده، از قبیل تماس با رفقای حزبی در کشورهای مختلف - البته تا جایی که امکان داشته باشد و زمان سفر چنین اجازه‌ای را بدهد - و نیز ملاقات با نمایندگان پارلمانها، نمایندگان احزاب سیاسی و نمایندگان دولتها - اگر خود حاضر به چنین دیدارهایی بوده و سیاستهایشان اجازه دهد - برای بحث پیرامون مواضع و سیاستهای حزب دمکرات کردستان در رابطه با مسأله کرد، آزادی و دمکراسی در سراسر ایران و اوضاع کشورمان به طور کلی، و اوضاع کردستان به طور اخص. اما سفر این بار، علاوه بر اهداف یاد شده و پاره‌ای از مقاصد دیگر، برنامه خاصی نیز در برداشت و آن شرکت در مراسم یادروز شهادت رهبر توانمندمان، دکتر صادق شرفکندی و یارانش بود که دهسال از آن می‌گذشت. بدیهی است این امکان وجود نداشت که در کلیه این مراسم بنده، یا "کاک" مصطفی مولودی که همسفرم بود، حضور داشته باشیم. با این حال تا آنجا که امکانپذیر بود، مثلاً در برلین - محل رویداد - در مراسم شرکت کردیم. در فرانسه، که دکتر سعید در آنجا تحصیل کرده بود و "کاک" فتاح عبدلی نیز ساکن آنجا بود، شمار بزرگی از دوستان حزب دمکرات کردستان و دوستان شخص دکتر سعید و "کاک" فتاح عبدلی، نیز حضور داشتند. همچنین در سوئد که عده زیادی از اعضاء و هواداران حزب دمکرات کردستان سکونت دارند. بعلاوه از کشورهای اسکانديناوی نیز، مانند نروژ و دانمارک و فنلاند، عده زیادی از دوستان در مراسم شرکت نمودند. در مراسم این سه کشور اخیر بنده نیز شرکت داشتم. یکی از هدفهایمان نیز، بویژه موکول کردن سفرمان به چنین روزهایی از سال، دقیقاً این بود که بتوانیم در چنین مراسمی شرکت کنیم.

خبرنگار: همچنانکه اشاره فرمودید، طی مدتی که در خارج بودید، سی فقره مراسم ویژه به مناسبت دهمین سالگرد شهادت دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل حزب و یارانش، در سه کشور آلمان و سوئد و فرانسه برگزار گردید. علاقمندیم در مورد آنها و ترکیب شرکت کنندگان و اهمیت ویژه‌ای که داشتند، نظر شما را بدانیم.

حسن زاده: بدو باید عرض کنم، مراسمی که به این مناسبت در خارج برگزار گردید، محدود به این سه کشور نبود، چرا که در کشورهای دیگر نیز مراسمی از این دست برگزار می‌شد. برای نمونه در اروپا، در کشور سوئیس و نیز در آمریکا و استرالیا، و اگر اشتباه نکنم، در نروژ نیز - البته نه در پایتخت - در یکی از شهرهای بزرگ این کشور، یاد دکتر شرفکندی و یارانش را گرامی داشتند. اما مراسمی که در آن شرکت داشتیم در این سه کشور: آلمان، فرانسه و سوئد، بودند. هر یک از این مراسم اهمیت ویژه خود را داشت. تا آنجا که به مراسم نخست مربوط می‌شد اهمیت مسأله در این بود که دقیقاً در روز حادثه یعنی در روز ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) و در همان محلی که این فاجعه روی داده بود، برگزار گردید. مسأله دیگری که به آن اهمیت بیشتری بخشیده بود این بود که احزاب آلمانی - اگر چه وقت نامناسبی بود و کلیه

احزاب درگیر انتخابات بودند و فرصت و امکان پرداختن به کار دیگری نداشتند - اکثرشان برپایان پیام فرستاده بودند. احزاب آلمانی برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و دوست ما هستند. حتی حزب سوسیال دمکرات، علاوه بر آنکه دبیرکل‌شان پیامی فرستاده بود، نماینده ویژه‌ای نیز به نام "ولوگانگ ویگه" را فرستاده بودند که یکی از دوستان قدیمی حزب ما است. او به عنوان نماینده ویژه حزب سوسیال دمکرات آلمان در همایشهای انترناسیونال سوسیالیست شرکت می‌نماید و در آن گردهمایی‌ها با وی آشنا شده‌ایم. بخش بزرگی از احزاب ایرانی و کردستانی نیز در مراسم حضور داشتند. بی‌گمان شنیده یا خوانده‌اید که تشکلی از احزاب کرد ایجاد شده که ۱۸ حزب در آن عضویت دارند، نماینده آنها نیز شرکت داشت. به نظر من اهمیت مسأله در این بود که مراسم در همان محل جنایت برگزار گردید ولی به عقیده بنده مراسمی که برگزار شد می‌توانست - و می‌بایستی - وسیع‌تر و بزرگ‌تر باشد. وقت آن چندان مناسب نبود؛ بعد از پایان تعطیلات و در آلمان زمان برگزاری انتخابات بود. با این حال معتقدم که این یادواره درخور آن بود که با شکوه بیشتری برگزار شود و می‌بایستی به نحو بهتری سازماندهی می‌شد. تا آنجا که به مراسم دوم که سه روز پس از تاریخ حادثه و در سوئد برگزار گردید، تقریباً باشکوه‌ترین و منظم‌ترین مراسم یادبود در نوع خود بود. سالن بسیار منظم و باشکوهی اجاره شده بود که درواقع - آنگونه که می‌گفتند - نخستین باری بود که یک حزب سیاسی کرد، یا یک حزب سیاسی ایرانی، در یک چنین سالنی اقدام به برگزاری مراسمی از این دست می‌نمود. بعلاوه، شماری بزرگ و با کیفیتی چشمگیر از اعضای حزب، از ایرانی‌ها و کردهای ساکن اسکاندیناوی در آن شرکت نموده بودند. مراسم واقعاً باشکوهی بود و تقریباً ۶ ساعت ادامه داشت و حاضران از حضور خود در آن بسی خرسند بودند. با وجود آنکه قبلاً پیش‌بینی نشده بود که برنامه مراسم تا آن حد بدرازا بکشد، با این حال برنامه بسیار جالبی بود. درواقع نیز از حالت یادواره‌ای صرف گذشته و صورت مراسمی سیاسی نیز به خود گرفته بود. اعلام مواضع حزب دمکرات و عکس‌العمل نشان دادن بعضی از نیروهای سیاسی، بویژه نماینده حزب سوسیال دمکرات سوئد، که در عین حال در انترناسیونال سوسیالیست مسئول "گروه کار کردها" است، باعث گردید که مباحثات سیاسی نیز به دنبال داشته باشد و بعداً در روزنامه‌ها و رادیوها نیز بازتاب یافت. آخرین مراسم که من و "کاک" مصطفی در آن حضور داشتیم، چند هفته بعد از سالروز شهادت دکتر صادق و یارانش برگزار گردید. علت به تأخیر افتادنش هم این بود که علاقمند بودیم مراسم در پارلمان فرانسه برگزار شود. پارلمان نیز امسال دیرتر تعطیل شده و دیرتر کار خود را از سر گرفته بود. برگزاری این مراسم در پارلمان از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ از لحاظ کیفیت در سطح والایی قرار داشت. بسیاری از شخصیت‌های سرشناس، که از فرزندان جامعه سیاسی فرانسه به حساب می‌آیند، در آن شرکت داشتند جملگی یا پیامی فرستاده بودند یا خود پیام خویش را قرائت کردند. از سیاستهای حزب دمکرات، از آرمانهای ملت کرد و اهداف حزب دمکرات، و نیز از آزادی در ایران صمیمانه پشتیبانی کردند. فکر می‌کنم این مسائل کم و بیش در روزنامه "کردستان" انتشار یافته و خوانندگان آن از آنها اطلاع دارند. بطورکلی می‌توانم بگویم کلیه این مراسمهای مختلف و شکوهمند شایسته این یادواره تلخ و دردناک و درهماحال مهم، بودند.

خبرنگار: جنابالی در این سفر با شماری چشمگیر از هیأتها و مسئولان دولتی کشورها و شخصیت‌های سیاسی دیدار و ملاقات داشتید. محتوای گفت و شنودهایتان بر چه منوالی بود و برداشت آنها درباره وضعیت کنونی ایران و خلق کرد در کردستان ایران چگونه بود؟

استادحسن‌زاده: محتوای این مباحثات، همانگونه که در پاسخ به سؤال اولتان عرض کردم، همواره شباهت تام و تمام با هم دارند. به این معنی وقتی که با مردم جهان خارج به گفت و شنودی می‌نشینیم، چه با آنها که در دستگاههای دولتی مصدر کاری هستند، از قبیل کارمندان و مسئولان وزارت خارجه و آنها که تصمیم گیرنده هستند، و چه نمایندگان مجلس یا رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی، هدف اصلی آن است که وضعیت مبارزاتی خلق کرد و مبارزات آزادیخواهانه سراسری در ایران و وضعیت کشور و دولت، به ویژه پایمال شدن حقوق بشر در میهنمان، را باید برایشان توضیح داده و درهماحال باید سعی نمائیم توجه آنها را به سوی مبارزه عادلانه‌ای که خلق کرد و سایر خلقهای ایران به پیش می‌برند جلب نمائیم. اما آنجا که به مواضع غربی‌ها مربوط می‌شود، می‌توانم بگویم آنچه که ما مشاهده می‌کنیم،

می‌تواند صرفاً نمونه‌ای باشد. چه شماری احزاب را ملاقات نمائیم، یا با چند حزب سوسیالیست و سوسیال دمکرات می‌توانیم دیدار کنیم. می‌توانید به عنوان نمونه به حساب آورید. زمانی که با مسئولان وزارت خارجه می‌نشینید، شاید بتوانید کم و بیش درباره‌شان قضاوت بکنید و بر این باور دست یابید که احتمالاً سیاست مسئولان مشابه در کشورهای دیگر نیز بر همین روال باشد. مسأله در ارتباط با مقامات رسمی و غیر دولتی فرق می‌کند. باید این واقعیت را پذیرفت که مقامات دولتی با مسأله مبارزه ما و ملت‌های دیگری چون خلق کرد با احتیاط بیشتری برخورد می‌کنند. کاملاً هم طبیعی است، چرا که آنها با دولتها ارتباط دارند. آنها که پارلمانتر هستند، روزنامه‌نویس‌اند یا مسئول یک حزب سیاسی هستند که در دولت شرکت ندارند، دستی بازتر دارند و با صراحت بیشتری نظرات خود را ابراز می‌دارند. مسأله‌ای که درخور توجه بود این بود که جملگی و هر یک با توجه به موقعیت خود و تا آن حد که وضعیت کار و شغل و مسئولیتش به وی اجازه می‌داد، هم از مبارزه کردستان و هم از مبارزه سراسری ایران برای آزادی و دمکراسی پشتیبانی می‌کردند، و از پایمال شدن حقوق بشر در ایران ناراضی بودند. اما مسأله‌ای که می‌توانم بگویم در این سفر بسیار برایم تازگی داشت - امکان داشت شخصی با صراحت ابراز کند و شخص دیگری از ابراز آن با چنان صراحتی بپرهیزد، اما در هر حال آشکارا پیدا بود - این بود که همه آنها بیش از هر وقت و زمانی از وضعیت ایران خبر دارند. گمان و توهمی که پیشتر داشتند و یکی را اصلاح‌طلب و دیگری را پراگماتیست تصور می‌کردند، اینک به یکباره تمام شده است. جملگی حاضر به قبول این واقعیت شده‌اند و بر این باورند که ما ایرانی‌ها یا ما کردهای ایران شرایط کشور متبوع خویش و نظام حاکم آن را بیشتر شناخته‌ایم. چرا که آنها اظهاراتی را از زبان یک مقام رسمی، مثلاً رئیس جمهوری شنیده‌اند، باور کرده‌اند و برای آن حساب باز کرده‌اند، بی‌خبر از آنکه رئیس جمهوری در کشوری همچون ایران نمی‌تواند تصمیم‌گیرنده باشد و سکان همه کارها در دست کسان دیگری است که ظاهراً هیچ مسئولیتی هم ندارند. اکنون به خوبی دریافته‌اند که در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی امکان تغییراتی اساسی وجود ندارد و همانگونه که پیشتر اشاره کردم و باز هم تکرار می‌کنم: شاید شخصی این واقعیتها را بر زبان بیاورد و دیگری از ابراز آن خودداری کند، ولی چنین احساسی را می‌توان در چهره همه کسانی مشاهده کرد که به این اعتقاد دست یافته‌اند که برای ایجاد دگرگونی در ایران باید هم دولت و هم سیستم حاکم تغییر داده شود، برخلاف این تصور که گویا این سیستم در درون خود توانایی ایجاد تغییر و تحولی اساسی داشته باشد، که امکان ندارد.

خبرنگار: در واپسین روزهای سفر اخیرتان، جنبش دانشجویی با پاره‌ای از ویژگیهای تازه فعالیت خود را از سر گرفت،

حرکت‌های اعتراضی دانشجویان برای مدت سه هفته ادامه داشت. نظر و برداشت شما در مورد جنبش اخیر دانشجویان در ایران چگونه است و این تحرکات و فعالیتها با ویژگیهایشان، در خارج از کشور چه انعکاسی داشته و چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟

حسن‌زاده: اجازه بدهید عرض کنم که به اعتقاد من آنچه را که ظرف این سه هفته - سه هفته پیش از برگشتنم - شاهد بودم در واقع تبلوری از این موضع‌گیری تازه با کیفیت نوینی بود که مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران مخصوصاً دانشجویان و بطور کلی دانشگاهیان به آن دست یافته و درپیش گرفته‌اند. در کشور ما دانشگاهها و دانشجویان سابقه‌ای طولانی در عرصه مبارزه دارند و همیشه این افتخار را داشته‌اند که در صف مقدم مبارزه قرار داشته باشند و این امری است بسیار طبیعی. زیرا آگاهترین قشر جامعه را دانشگاهیان تشکیل می‌دهند، چه دانشجویان باشند و چه استادان یا کادر دانشگاهها. از اینرو می‌توان گفت مسأله تازه‌ای نبود، اما ابعادی بس گسترده داشت، شعارها روشن‌تر از گذشته بود، و با وجود آنکه با خشونت هرچه تمامتر با آنها برخورد کردند و فشار زیادی بر آنها اعمال نمودند، با این حال، عقب‌نشینی نکردند و نتیجتاً نشان دادند که گامهایی بلندتر در راستای گرایش‌های انقلابی پیش رفته‌اند و کارگزاران رژیم دیگر نمی‌توانند آنها را به عقب‌نشینی وادارند. اما در این رابطه، برای نخستین بار به واقعیتی پی بردم، تا آنجا که با داخل کشور تماس داشتم و جریان را تعقیب می‌کردم، این بار به گونه‌ای چشمگیرتر از گذشته، دانشجویان در این حرکت خود تنها نبودند و مردم نیز نمی‌خواستند دانشجویان تنها بمانند؛ از آنها پشتیبانی کردند و در تظاهرات شرکت جستند و حتی در کتک‌خوردنها و بدویراه شنیدن‌ها نیز با آنها سهیم

شدند که خود مسأله تازه‌ای بود. درباره آنچه که در خارج از کشور بچشم می‌خورد باید به صراحت عرض کنم که بعد از حرکت اخیر دانشجویان دیدار و ملاقات چندانی با خارجیان نداشتم، لیکن از حسن تصادف دیدار و گفت و شنودهایی با سازمانهای ایرانی داشتم. نیروهای ایرانی کلاً و با اعتقاد تمام، حرکت دانشجویان را می‌ستودند و به آن کاملاً امیدوار بودند. تا آنجا نیز که اطلاع داشتیم، افکار عمومی در سطوح جهانی از خواستها و مطالباتی که دانشجویان مطرح می‌کردند، حمایت می‌نمودند. همچنانکه بیشتر عرض کردم، جهان خارج اینک به جایی رسیده که اگر بناست در ایران تغییراتی رخ دهد و دمکراسی و آزادی در ایران استقرار یابد، باید وضع ایران بطور کلی تغییر یابد. در چارچوب جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن و در چارچوب سیستم ولایت فقیه آن، ایجاد چنین تغییراتی امکانپذیر نخواهد بود. از اینرو، مردم از زاویه‌ای دیگر این حرکت را ارزیابی می‌کردند و به دیده احترام به آن می‌نگریستند.

خبرنگار: در مدتی که شما در خارج بودید، چند نفر از مبارزان حزب دمکرات در زندانهای جمهوری اسلامی اعدام شدند. مواضع محافل و مراجع بشردوست در این باره چگونه بود؟

حسن‌زاده: مسأله جالبی را برایتان بازگو کنم. دقیقاً در روزی که این رفقای ما اعدام شدند و من خبر نداشتم، با کمیساریای عالی حقوق بشر در ژنو ملاقات داشتیم، لیست زندانی‌ها را در دست داشتیم و به آنها گفتیم که این افراد به اعدام محکوم شده‌اند و از آنها درخواست کردیم کاری بکنند که این احکام لغو شوند. همچنین از آنها خواستیم درباره کسانی که بیش از ۵ سال است توسط رژیم سر به نیست شده‌اند، اقدامی بنمایند تا شاید دست‌کم بدانیم در چه زندانی به سر می‌برند، سرنوشتشان به کجا انجامیده که ما بعنوان حزب آنها، یا خانواده‌هایشان از آنان هیچ خبری نداریم. بعد از برگشتن از آن اداره و همان شب خبردار شدیم که این چند نفر اعدام شده‌اند و ضمن آنکه بسیار ناراحت و غمزه شده بودیم، بلافاصله دست بکار شدیم تا به آنها خبر بدهیم که رفقای که درباره‌شان با آنها صحبت می‌کردیم، اعدام شده‌اند و وقت آن است که از آنها بخواهیم جان زندانیان دیگر را نجات دهند. مجبور نبودیم به آنها بگوییم فلان شخص و بهمان فرد اعدام شده‌اند. تنها برایشان نوشتیم که در لیستی که در اختیارشان گذاشته بودیم، فلان و فلان شماره اعدام شده‌اند. صراحتاً باید بگوییم، علاوه بر آنکه سازمانهای ایرانی کلاً این اعمال وحشیانه را محکوم کردند، سازمانهای مدافع حقوق بشر نیز این اعدامها را تقبیح کردند. به ویژه آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی، انصافاً هم اقدام به انتشار بیانیه‌ای نمودند و هم يك مصاحبه مطبوعاتی تشکیل دادند. ولی مواضع دولتها به گونه‌ای نبود که درخور و جوابگوی این آدم‌کشی باشد. شاید شما نیز در جریان باشید که همزمان با این اعمال ددمنشانه، چند نفر دیگر را به اعدام محکوم کردند که امیدوارم احکام مربوطه به آنها لغو شود یا لغو شده باشد. به اعتقاد بنده، عکس‌العملی که نشان داده شد بسی کمتر از آن بود که می‌بایستی می‌بود. شاید به این دلیل بوده باشد که جهانیان طی چند سال گذشته با مسائل حادثتری درگیر بوده‌اند. مسأله خاورمیانه، مسأله اختلافات آمریکا با عراق، نتیجتاً توجهی که می‌بایستی به مسأله اعدامها معطوف می‌شد - یا حداقل من بر این باور بودم که می‌بایستی می‌شد - متأسفانه معطوف نگردید.

خبرنگار: با توجه به اوضاع و احوالی که بر خاورمیانه و ایران حاکم است، نظرات و مواضع سازمانهای سیاسی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حسن‌زاده: در مواضع و دیدگاههای احزاب و سازمانهای ایرانی تغییراتی کاملاً کیفی به وجود آمده است. بارها به این واقعیت اشاره شده که دلیل اساسی بقای جمهوری اسلامی بر مسند قدرت، پراکندگی و تفرقه در میان نیروهای اپوزیسیون ایران است. این تفرقه و پراکندگی متأسفانه هنوز هم به نوعی باقی مانده است، با این تفاوت که در گذشته این نیروهای سیاسی به جای آنکه در برابر جمهوری اسلامی قد علم کنند، بیشتر سرگرم تاختن به همدیگر و "شاخ و شانه کشیدن" برای یکدیگر بودند. بعد از چندی این تنش فروکش نمود و تاخت و تازهایی از این دست روبه کاستی نهاد. اینک وضعی پدیدار گشته که در آن نیروهای سیاسی ایران، تقریباً همگی، به تقرب و گفت و شنود و گوش دادن به سخنان طرفهای مقابل و همکاری با یکدیگر در راستای مبارزه با جمهوری اسلامی تمایل نشان می‌دهند. حتی از هر سو به تشکیل انجمن‌ها و مجامع گوناگونی روی آورده‌اند با این هدف که چیزی به نام جبهه، تشکل یا هر عنوان دیگری به وجود آورند. اکنون

از نیروهای راست افراطی گرفته تا چپگرایان دو آتشه، همگی اظهار علاقه می‌کنند که با هم بنشینند و به تبادل نظر بپردازند. این وضعیت نشانگر آن است که آنهایی که در خارج از کشور نیز هستند، به ضرورت همبستگی در میان خود و مهم‌تر از آن نیاز نزدیک شدن به کشور و همکاری با مبارزان داخل ایران را بیشتر و بهتر احساس نمایند. نیازی به گفتن نیست که بسیاری از نیروهای سیاسی ایران با ما نیز تماس گرفتند و خواستار همکاری با ما بودند. ما نیز پیش از هر کسی و با هر نیرویی و با همگان بر این اعتقادیم که نیروهای سیاسی ایران باید به هم نزدیک شوند و به گونه‌ای تنگاتنگ و صمیمانه باید با یکدیگر همکاری نمایند، باشد که با مبارزه مشترکمان بتوانیم وضعیت حاکم بر کشور را تغییر دهیم. در همانحال، ما بیشتر بر این مسأله پای می‌فشرديم که باید با تمام نیرو بکوشیم به نیروی اصلی مبارزه علیه دیکتاتوری هرچه بیشتر نزدیک شویم و آن نیز نیرویی است که در داخل کشور درگیر مبارزه است. ما هراندازه هم تجربه سیاسی و سابقه انقلابی داشته باشیم، باید این واقعیت را بپذیریم آنهایی که می‌توانند دگرگونی‌هایی در داخل کشور به وجود آورند، همانهایی هستند که در داخل ایران به مبارزه برخاسته‌اند. تا آنجا که در توان داریم باید بکوشیم به حرکت موجود در داخل کشور نزدیک گردیم و با آن از در همکاری درآییم؛ از آن الهام بگیریم و اگر تجاری داریم و اگر امکاناتی در اختیار داریم، آن را در خدمت این حرکت بکار گیریم که در داخل کشور وجود دارد. تا آنجا که بنده در جریان هستم، همه سازمانهای سیاسی این اصل را پذیرفته‌اند. خلاصه کنم: آینده روابط میان نیروهای سیاسی برای مبارزه در راستای استقرار آزادی و دمکراسی را بیش از هر زمان دیگری روشن و امیدوارکننده می‌بینم.

خبرنگار: جناب استاد، روابط حزب دمکرات با کشورها و محافل و مجامع حقوق بشر در چه سطحی قرار دارد؟

حسن‌زاده: به جرأت می‌توانم بگویم که روابطمان با محافل و مراجع سیاسی، شخصیت‌های سیاسی و حقوقی، علمی و اجتماعی، مانند همیشه در وضع مطلوبی قرار دارد. در هر موردی که فرصتی داشته‌ایم از این شخصیتها، یا از نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی درخواست ملاقاتی نموده‌ایم، همواره با آغوش باز به استقبالمان آمده‌اند و هر بار از مبارزه و خواسته‌هایمان پشتیبانی کرده‌اند و به هیچ روی این احساس به من دست نداده است که روابطمان با آنها به سردی گراییده است، اگر نگویم تغییراتی در جهت مطلوب را مشاهده کرده‌ام. در بسیاری از موارد احساس کرده‌ام که بسیار بهتر از گذشته‌ها وضعیت ما را درک می‌کنند و به عادلانه بودن و حقانیت مطالباتمان و مبارزاتمان بیشتر معتقد شده‌اند. فراتر از آن به تجزیه و تحلیل‌های ما در مورد وضعیت ایران و ماهیت جمهوری اسلامی اعتقاد بیشتری پیدا کرده‌اند. روی هم رفته می‌توانم بگویم روابطی که داریم رضایتبخش است، ولی شاید بتوانیم آن را بهتر نماییم. اگر گلایه‌ای نیز در کار باشد، باید عرض کنم که ارگان روابط خارجی حزب آنگونه که شاید و باید فعال نیست، اما می‌توانیم فعالیت بیشتری داشته باشیم. خلاصه، تا آنجایی که به طرفهای ما مربوط می‌گردد، مواضعشان در برابر حزب بسیار خوب است.

خبرنگار: شما که به کمیته‌ها و ارگانهای وابسته به حزب در خارج از کشور سرزده‌اید، کار آنها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حسن‌زاده: مانند همیشه، واقعیتها می‌خواهم بگویم که ما در خارج از کشور از آنچه که هستیم، می‌توانیم به مراتب بهتر باشیم، چرا که ما سرمایه بزرگی داریم، به ویژه در بخشی از کشورهای اروپایی یا روشن‌تر بگویم کشورهای اسکاندیناوی که در این چهار کشور به اندازه تمامی کشورهای خارج از اعضا و هوادار حزب داریم که سرمایه بسیار هنگفتی است. بنده به سهم خودم کارهایی را که در آن کشورها انجام گرفته و نیز حس مسئولیت این رفقا را ستایش می‌نمایم، ولی در همانحال این امکان وجود داشته است که بسی بیش از آنچه تاکنون انجام داده‌اند، با تلاش و کوشش بیشتری به انجام برسانند و هم افتخارات بیشتری برای حزب خود کسب نمایند و هم حمایت و پشتیبانی مردم بیشتری را به سود حزب و آرمانهای عادلانه ملتشان جلب نمایند. این مسأله‌ای است که هیچگاه نباید از آن غافل بود. زیرا باید همواره روبه آینده داشته باشیم، ولی اگر این مطلب را کنار بگذاریم می‌توانم به یقین بگویم اگر در مواردی نیز حلقه‌های ضعیفی داشته باشیم، وضع حزب دمکرات و فعالیت آن در خارج، با توجه به همه مسائل و فاکتورهایی که بر مبارزه و شیوه فعالیتیمان تأثیرگذار هستند، حزب ما از هیچ يك از احزاب دمکرات ایرانی و یا کردستانی کمتر نیست. فعالیت کمیته‌های حزب در حد مطلوبی قرار دارد؛ خود را به خوبی شناسانده‌اند؛ و مسأله ملتیمان را شناسانده‌اند. اجازه می‌خواهم در این فرصت و بار دیگر از طریق روزنامه "کردستان" مراتب قدردانی

خود را تقدیم کلیه رفقای بنمایم که در خارج این مسئولیتها را به عهده گرفته‌اند و در پیشبرد فعالیت و مبارزه حزب دمکرات نقش مؤثری داشته‌اند.

خبرنگار: برای مردم ایران و کردستان و مبارزان حزب دمکرات چه پیامی دارید؟

حسن‌زاده: ما باید از مردم پیام دریافت کنیم. ولی اگر صحیح باشد که بنده پیامی بفرستم، پیام من به همه مردم کردستان بطورکلی، بویژه برای مبارزان دمکرات این است که امیدوارانه و با خوشبینی به آینده بنگریم - واقعاً باید خوشبین باشیم - این صرفاً ما نیستیم که می‌گوییم کردستان مرکز بخشی مهم و اساسی از مبارزه در راه آزادی و علیه دیکتاتوری در سراسر ایران است. در کردستان و حتی بیرون از آن نیز مردم امیدوارانه به حزب دمکرات می‌نگرند. باید جمله‌گی با هم بکوشیم اعتمادی که مردم ایران به مردم کردستان دارند، آری این اعتماد را مصون و محفوظ نگه داریم و آن را نیز تقویت بنماییم. ما اعضای حزب دمکرات، چه آنها که در داخل هستند و چه آنها که در خارج به سر می‌برند، باید بکوشیم همواره شایسته یک چنین اعتماد و اطمینانی باشیم که ملت کرد در کردستان ایران به ما دارد. امیدی را که این مردم به حزب دمکرات بسته‌اند، هرگز نباید - خدای ناخواسته - از دست بدهیم و وضعی پیش نیاید که مردم از فداکاری حزب دمکرات و از توانایی آن ناامید گردند. پیروزی همه آنان را صمیمانه آرزو می‌نمایم. من به سهم خود کاملاً امیدوارانه به آینده می‌نگرم و معتقدم که آینده از آن حزب دمکرات و ملت کرد و کلیه خلقهای ایران است نه از آن جمهوری اسلامی.